

کرامت ذاتی حقوق کودک از نگاه حقوق ایران

فاطمه زارعی^۱ و شاهرخ محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

چکیده

مقاله حاضر، با هدف بررسی کرامت ذاتی کودک از نگاه حقوق ایران به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. نتایج نشان داد که، مبنای حقوق ایران؛ چهار اصل و ارزش اخلاقی یعنی کرامت انسانی، آزادی، عدالت و برابری است و تلقی اخلاقی آن‌ها بر حقوق کودک بر اصول مذکور استوار است. کرامت ذاتی حقوق کودک در ایران، بستگی به مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی و همچنین نحوه نگرش به هستی‌شناسی دارد. اصول حقوق کودک در حقوق ایران بر اساس مباحث تعلیمی و تربیتی مبتنی بر توجه به همه ابعاد وجودی انسان است. از نظر حقوق ایران؛ کودک در فرایند تربیتی، نیازمند توجه ویژه‌ای است و این توجه ویژه منوط به اصل کرامت ذاتی انسان است که کودک از آن برخوردار است. از نظر حقوق ایران، کودک از آسیب‌پذیری بسیاری برخوردار است و اگر در فرایند تربیت، حق کرامت ذاتی رعایت نگردد امکان منحرف شدن کودک از مسیر صحیح و آسیب رسیدن به تربیت او زیاد است. زیرا بر اساس روایات اسلامی، کودک زمینه مستعدی برای دریافتن هرگونه امور خوب و بد را دارد. در حقوق ایران نیز توجه به حقوق کودک بر اساس حقوق طبیعی است که انسان از آن برخوردار است. اسلام حق آزادی را برای انسان حقی مسلم می‌داند اما برای هر یک از حقوق انسان چارچوبی قرار می‌دهد تا از حدود خود تجاوز نکرده و باعث تضییع حقوق دیگران نگردد.

کلید واژه‌ها: حقوق، حقوق کودک، فقه اسلامی، کرامت ذاتی، حقوق ایران.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

زارعی، فاطمه؛ محمدی، شاهرخ (۱۴۰۱). «کرامت ذاتی حقوق کودک از نگاه حقوق ایران». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، صص ۷۰-۳۹.

^۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر، صفاشهر، ایران. ایمیل: f.zarei9900@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر، صفاشهر، ایران.

ایمیل: sharokh_mohamadi@yahoo.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (انديشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

در زندگی کودک از نخستین روزها تا سن ۱۸ سالگی که در کنوانسیون حقوق کودک ذکر شده است، بسیاری رویدادهای مهم رخ می‌دهد کودک در این فرایند رویدادهاست که از ناتوان به توان تبدیل می‌شود و به‌همین دلیل، دارای حقوق ویژه‌ای است. حقوق کودک یکی از زمینه‌های مهم حقوقی است که امروزه در سطح داخلی و بین‌المللی مورد توجه خاص قرار گرفته و به ویژه در کنوانسیون حقوق کودک قواعدی برای حمایت از آن آمده است. حقوق کودک از دیدگاه‌های متفاوت و در رشته‌های مختلف مورد بحث و بررسی واقع شده است و دارای ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی داخلی و بین‌المللی است. امروزه تحرک و پویایی جامعه بین‌المللی برای حمایت از حقوق کودک در یکی دو دهه اخیر شتاب چشمگیری داشته است و این نشان می‌دهد این مسأله از اهمیت خاصی برخوردار است و توجه به آن و رعایت حقوق کودکان خدمتی به آینده و آیندگان است.

کودکان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهایی اساسی هستند که چنانچه به نیازهای واقعی آنان در دوران کودکی و نوجوانی توجه نشود چه بسا خسارت‌های غیر قابل جبرانی بر جامعه تحمیل خواهد شد. در واقع این نیازها از حقوق کودکان به‌شمار می‌آید که باید بدان توجه نمود. نیازهای کودک در برهه‌ای از زمان از دیگر زمان‌ها ویژگی و اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این میان حقوق کودک نه تنها به‌عنوان یک تکلیف بر عهده‌ی والدین است، بلکه جامعه نیز با توسعه سیستم‌های حمایتی و نظارتی نسبت به احقاق حق کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نموده و برنامه‌ریزی هدفداری را جهت رسیدن به هدف‌های متعالی از ره‌آورد آن برای این گروه مورد توجه قرار می‌دهد.

بیگمان بشریت در ادوار مختلف زندگی از پدیداری عالم تاکنون به طرق مختلف، هر چند سعی نموده، نگرش‌های نوینی را بر ارتقاء سطح فرهنگ جامعه مبتنی بر واژگان حقوقی داشته و آن را در اجتماع نهادینه کند، ولی از طرفی نیازهای اساسی آن در این بخش، یعنی کودکان، با غفلت‌های فراوانی همراه بوده و این نونهالان معصوم به‌طریق مختلف مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، که ناشی از زیر پا نهادن حقوق واقعی آنان است. برده‌داری، بهره‌کشی به اشکال مختلف، تجاوز، آسیب‌های روانی و جسمی و محرومیت از آموزش، بخشی از تزییع حقوق کودکان است. با ظهور مکاتب جهانی و پیشرفت روزافزون حقوق فردی و اجتماعی و همچنین ارتقاء آگاهی‌های عمومی و توسعه دولت‌ها و وظایف ذاتی حکومت به‌عنوان دفاع از منافع و مصالح عمومی این مهم حس شد که کودکان و نوجوانان به‌عنوان کسانی که اجتماعات آینده را تشکیل می‌دهند و کسانی که با بارور شدن فکر آنان بسیاری از مشکلات آتی جامعه که احتمال وقوع آن به جهت عدم انجام آن تحت عنوان ترک فعل با آن روبرو خواهد شد، جلوگیری می‌گردد(ظاهری، ۱۳۸۱: ۲۳/۱).

کودکان از جمله افراد آسیب پذیر در اجتماع هستند که چنانچه حقوق آنان به درستی رعایت نشود خسارت‌های جبران ناپذیری بر شخصیت و کرامت انسانی آنان وارد می‌شود. اسلام به سلامت کودک بسیار اهمیت می‌دهد و بدین منظور تکالیفی را برای اطرافیان کودک مقرر کرده است. از آنجا که خانواده اولین نهادی است که کودک وارد آن می‌شود، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودک ایفا می‌کند. به عبارت دیگر از یک سو بهترین جایگاه برای رشد و حمایت از کودک است و باید باشد، از سوی دیگر خود می‌تواند به محل نقض حقوق کودک و حتی از بین بردن فرصت‌های طلایی در زندگی آتی او تبدیل شود. بنابراین ضروری است به منظور حفظ کرامت انسانی کودک که در دین مقدس اسلام بر آن تأکید فراوانی شده، از نهاد خانواده شروع نمود.

با توجه به مطالب فوق این مقاله در نظر دارد تا اصول اخلاقی و پایه‌های اساسی توجه به مبانی اخلاقی کرامت ذاتی کودک در حقوق ایران و اسناد حقوق بشری را مورد بررسی قرار دهد.

۲. کرامت ذاتی از نگاه حقوق ایران

به لحاظ رتبه بندی ویژه‌ای که درباره مبانی و اصول در ساحت‌های گوناگون علمی، در نظر گرفته شده است؛ اصول همواره در رتبه‌ای پس از مبانی قرار دارد. بدین ترتیب اصول؛ نه تنها قوام و اصالت خود را از مبانی دریافت می‌کند بلکه در جهت‌دهی به اندیشه‌ها و فعالیت‌های خود وامدار مبانی است. این معارف با بینش‌ها و باورداشت‌ها و احکام ناظر به هست و نیست سروکار دارد. منظور از مبانی، سلسله معارف نظری است که جنبه‌های مختلفی از یک موضوع انسانی از جمله جنبه‌های وجود شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی را در بر دارند مبانی بر معارف نظری انسان دلالت می‌کند و به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتست از:

۱. معرفت شناختی ۲. هستی شناختی ۳. انسان شناختی

اخلاق اسلامی، درک و شناخت عقلانی را در کنار وحی و فطرت پشتوانه معرفت بشری قرار می‌دهد. در معرفت شناسی نحوه شناخت مطرح می‌شود که این مسأله نیز به نحوه نگرش به مبانی هستی شناسی بر می‌گردد. از آن جایی که حقوق ایران منشأ هستی کودک و به‌طور کلی انسان را الهی می‌داند بنابراین مبانی معرفتی او نیز جنبه الهی و وحیانی دارد.

بنابراین دستورات الهی و وحیانی باید توسط شخصی به انسان ابلاغ شود و به همین دلیل مسائل ناظر به معرفت شناختی در قلمرو یکی از مسائل بنیادین، یعنی راه و راهنما شناسی قرار می‌گیرد و از همین منظر بحث و بررسی می‌شود. مباحث ناظر به شناخت‌های عادی، شامل انواع علم حضوری و حصولی و شناخت‌های غیر عادی شامل الهام و وحی، از جمله موضوعات و مسائل کانون توجه در راه شناسی است. بررسی نیاز یا عدم نیاز بشر به وحی و نبوت و همچنین شناسایی

گیرنده و رساننده وحی از جمله موضوعات و مسائل ناظر به راهنماشناسی است (ظاهری، ۱۳۸۱: ۲۳/۱).

نوع و کیفیت پاسخ به این مسائل بستگی تام به نوع جهان بینی دارد. جهان بینی الهی - توحیدی محض نمونه، اعتقاد به وحی و نبوت را که از پیشش توحیدی در باب جهان و انسان سرچشمه می‌یابد جزو ارکان راه و راهنما شناسی می‌داند به گونه‌ای که بدون چنین اعتقادی نه راه نمایان است و نه راهنما مشخص و شناخته شده است. نظر به این که هدایت انسان به جانب خیر، کمال و سعادت از اصول مسلم جهان بینی توحیدی و از لوازم برجسته آن به شمار می‌رود، اصل نبوت نیز که لازمه هدایت انسان است از لوازم قطعی و از مسائل بنیادی این جهان بینی است (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۱۱۲/۱).

موجودات جهان هستی هریک بر اساس نیروی هدایت الهی و برحسب ظرف وجودی خویش به جانب مقصد و مقصودی از خداوند در نظر گرفته است در حرکت و جریانند. خداوند نیروی مرموزی چون هدایت الهی را در درون موجودات قرار داده تا به سوی مقصدشان کشیده شوند. درباره انسان؛ هدایت الهی به طور مشخص و برجسته توسط وحی و نبوت و همکاری و همگامی فطرت بشری تحقق می‌یابد. اما حقیقت وحی چیست؟ عالی‌ترین درجه وحی همان است که مربوط به سلسله پیامبران می‌شود. این وحی بر اساس نیازی است که نوع بشر به هدایت الهی دارد که از طرفی بشر را به سوی مقصودی که ماورای افق محسوسات و مادیات است و خواه ناخواه گذرگاه بشر خواهد بود راهنمایی نماید؛ و از طرف دیگر نیاز بشر را در زندگی اجتماعی که همواره نیازمند به قانونی است؛ که تضمین الهی داشته باشد، برآورد (مطهری، ۱۳۵۹: ۲۱۰/۳).

مباحث معرفت شناختی اسلامی درباره حقوق کودک بر اساس دستورات دینی است و این دستورات؛ منشأ وحیانی دارد پس احکام و دستورات دینی؛ تلفیقی از حس و عقل است که به صورت واقع‌گرایی و مطلق به پیروان دین ابلاغ می‌شود. ابزار شناخت انسان منبع وحیانی دارد. اسلام، ابزار شناخت در معرفت‌شناسی را عقل در کنار وحی می‌داند و شناخت مباحثی چون حق، عدالت و آزادی را منوط به تعریف وحیانی مبتنی بر عقل می‌داند. از نظر اسلام، انسان کامل انسانی است که عقلش به کمال رسیده است؛ اسلام، شرط تکامل عقل را عمل به قرآن که منبع وحی است و سنت که اعمال و افعال انسان کامل یعنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است می‌داند.

در بعد هستی‌شناسی؛ توجه اسلام به منبع وحی است، در حقوق ایران؛ هستی‌شناسی، خاستگاه و جهت الهی داشته است و مبانی موضوع مورد نظر نیز هویت از اویی و با اویی و به سوی اویی دارد. اسلام هستی و جهان ملموس را هم‌چون گذرگاهی برای رسیدن به عالم ماورا تلقی می‌کند از این رو توجه و توقف و دلبستگی به آن را تنزل بُعد روحانی وجود انسان تلقی می‌کند و از نظر اسلام ابزار شناخت هستی باورهای وحیانی و دینی است که بر اساس این تفکر، جهان عالمی گذرا و موقت است و توجه بیش از حد به آن، انسان را از بُعد وجودی روحانی‌اش دور می‌سازد. مبانی

هستی‌شناسی اسلام، بر اساس طرز تلقی‌ای است که به جهان دارد از نظر اسلام؛ جهان هستی، مسیری گذرا برای رسیدن به عالم و هستی ماورا و دائمی است و شرط رسیدن به سعادت را عبور از این دنیا می‌داند.

مبنای هستی‌شناسی اسلام، مبتنی بر وحی و دستورات وحیانی است. از آن جایی که توجه اسلام به مبداء وحی و عالم ربانی است؛ بنابراین مبنای فکری حقوق ایران نیز؛ رسیدن به عالم وحیانی است و به نوعی سلوک از پایین‌ترین مراحل وجود به سوی عالی‌ترین و شکوهمندترین افق‌ها و به سوی لذت و منفعت‌های جاودان توجه دارد. منبع حقوق ایران وحی و دستورات الهی است (عباسی، ۱۳۸۹: ۲۰/۱).

از نظر اسلام، انسان دارای روح و جسم است و حیات انسان وابسته به این دو رکن است؛ ولی روح دارای اصالت است و گرچه از لحاظ خلقت، اول جسم و بعد روح در انسان خلق می‌شود؛ ولی از لحاظ رتبه‌ای، ارزش اولیه با روح است و تا مادامی که روح وجود دارد، انسانیت انسان باقی است و به تعبیر فلاسفه، «الانسان جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا» است. از نظر اسلام، زندگی انسان دارای دو مرحله است؛ مرحله اول در دنیا و مرحله دوم در آخرت. براساس بینش اسلامی، انسان محدود به این دنیا نیست؛ بنابراین، باید کمال‌نهایی را در ماورای این جهان جستجو نماید؛ زیرا زندگی حقیقی و اصیل در جهان آخرت است و انسان باید افعالش را در جهتی قرار دهد که موجب وصول به کمال اخروی و سعادت ابدی باشد.

به همین دلیل است که قوانین و اصولی که اسلام وضع می‌کند، مبتنی بر وحی است. زیرا توجه اصلی وحی به بعد روحانی انسان است. از نظر اسلام، هویت انسان با اتصال به مبداء متعالی و مقصد نامتناهی تعریف می‌شود و معنا می‌یابد. از نظر اسلام، سعادت و خوشبختی انسان در جهان حسی و جهانی تجربی خلاصه نمی‌شود. اسلام حرکت انسان و اجتماع را به سمت ابدیت می‌داند؛ از اینرو، تمام تلاش‌ها و اهداف و قوانین باید در هماهنگی کامل با هدف غایی که رسیدن به عالم ماورا است، باشد.

از نظر اسلام، هویت انسان با اتصال به مبداء متعالی و مقصد نامتناهی تعریف می‌شود و معنا می‌یابد. اسلام درجه انسانیت انسان را بر اساس قرب و بعد خداوند می‌سنجد یعنی به واسطه وجود یک موجود ماورا، انسانیت انسان سنجیده می‌شود. اسلام قرب به خدا را خوشبختی و سعادت و دوری از او را از خود بیگانه تلقی می‌کند. بنابراین نتیجه می‌گیریم اساس تفکر اسلامی، خدا محور است و مبنای بر اساس محوریت خدا و دستورات وحیانی که از جانب خدا نازل گشته است پایه ریزی شده‌اند. اسلام به بعد فرامادی انسان توجه دارد البته به این معنا نیست که اسلام از بعد جسمانی انسان غافل است یا آن را مدنظر قرار نداده است. اسلام به این بعد وجودی نیز توجه کرده است و شرط تعالی روح را صحت و سلامت جسم می‌داند در تفکر دینی انسانیت انسان بعد روحانی اوست.

۳. حقوق بشر در اسلام

اسلام، نگاهی جامع و کاملی نسبت به تمام ابعاد زندگی انسان دارد از این رو پیش از پرداختن به کرامت ذاتی حقوق کودک، دیدگاه اسلام نسبت به حقوق بشر و حقوق خانواده را بررسی می‌کنیم. در اواخر قرن ششم میلادی با بعثت پیامبر صلی‌الله‌وآله؛ شریعتی در جهان بشریت به وجود آمد. شریعت پیامبر صلی‌الله‌وآله اصول و قوانین خاصی در زمینه اعتقادات، اخلاق، اقتصاد، سیاست، فقه و حقوق ایجاد نمود. طبعاً چنین شریعتی دیدگاهی جدید نسبت به مسائل انسان به ارمغان آورد.

این مطلب آنجایی بهتر قابل فهم می‌گردد که فضای حاکم بر شبه جزیره عربستان و نیز قوانین حاکم روابط انسانی را در آنجا از نظر بگذرانیم. در چنان فضایی شریعت جدید، همگان را به سوی خدایی واحد دعوت می‌کرد و همگان را به سوی یگانه پرستی و دوری از ظلم و ستم و برابری دعوت می‌کرد پیامبرش هم‌چون دندانه‌های یک شانه مردم را برابر می‌دانست. با گردآوری آیات قرآن در همان نخستین سال‌های نزول قرآن اولین مرحله تدوین حقوق بشر در اسلام صورت گرفت و تبیین مسائل مربوط به حقوق بشر در مجموعه آیات در قرآن گردآوری گردید. لذا نمی‌توان تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام را به دهه دوم قرن اول نسبت داد.

با جمع‌آوری گفته‌ها و عملکردها و تقریرهای پیامبر صلی‌الله‌وآله و تدوین احادیث و تألیف جوامع حدیث و سیره نبوی صلی‌الله‌وآله گام دیگری به صورت وسیع‌تر در زمینه‌ی تدوین حقوق بشر در اسلام برداشته شد و مبانی ریشه‌های حقوق بشر در لا به لای مکتب حدیث و سیره مطرح گردید (آذری، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۱).

۴. حقوق خانواده

در اسلام، توجه به کودک ناشی از توجهی است که به خانواده و تشکیل خانواده می‌شود؛ از این رو، نگاهی به حقوق خانواده خواهیم داشت. آنچه در سنت نبوی و شرع مقدس اسلام از ارزش والایی برخوردار است؛ ازدواج و ضرورت تشکیل خانواده و سعی بر بقای زندگی است. بنابراین سنت نبوی، رعایت حقوق خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است. خانواده به معنی عام؛ عبارتست از گروهی مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر و گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند و به معنای خاص؛ عبارتست از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنها که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. معیار و ضابطه تشکیل خانواده بدین معنا؛ همان ریاست یک شخص بر اعضای آن است. خانواده بدین معنا مورد حمایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین جدید است.

خانواده با این که قوانین، آن را تعریف نکرده، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه اجتماعی است. چرا که بدون آن زندگی در اجتماع متصور نیست. در حقیقت هسته مرکزی اجتماع؛ خانواده است و نخستین اجتماعی است که شخص در آن گام می‌نهد و آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و تعاون و از خود گذشتگی را فرا می‌گیرد و در حفظ و گسترش قدرت ملی نقش مؤثری ایفا می‌کند. به بیان دیگر رابطه‌ای نزدیک بین قدرت ملی و خانواده وجود دارد و سستی و تباهی خانواده‌ها انحطاط ملت را به دنبال می‌آورد.

در اسلام تأکید فراوانی بر ضرورت تشکیل خانواده وجود دارد و سفارشاتى که اسلام در زمینه ازدواج دارد، همگی نشان دهنده اهمیت تشکیل خانواده در اجتماع است. خانواده به‌عنوان نخستین اجتماع انسانی در تربیت فرد و به تبع آن در سعادت جامعه تأثیر بسزایی دارد. اکثر خردمندان بر این باورند که خانواده پایگاه طبیعی حفظ سنت‌های ملی و مذهبی و نگاهبان تمدن قومی و بهترین شیوه علمی ایجاد تربیت کودکان است. لذا جامعه باید از آن حمایت کند. حمایت و تربیت کودکان به‌عنوان تکلیف پدر و مادر در صورتی قابل اجرا و مفید است که اتحادی با دوام داشته و رشته استوار پیوند میان آن دو را تضمین می‌کند (جعفری، ۱۳۶۴: ۲ / ۲۰۳).

درباره استحکام خانواده ماده هشت میثاق حقوق کودک کشورهای اسلامی عنوان می‌کند:

«کشورهای عضو، از خانواده در مقابل زمینه‌های بروز ضعف و از هم پاشیدگی حفاظت خواهند کرد و در قالب منابع موجود خویش، جهت تأمین مراقبت برای اعضای خانواده و ایجاد پیوستگی و تعادل میان آن‌ها عمل خواهند نمود».

۵. تاریخچه حقوق کودک در آستانه ظهور اسلام

آن چنان که از متون تاریخی خصوصاً بررسی موضوع در منطقه شبه جزیره عربستان که خاستگاه اولیه اسلام است و تحت عنوان حجاز از آن نام برده شده است، بر می‌آید، اعراب جاهلی به‌صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند. هم از حیث فراگیری علم و دانش در سطح ابتدایی قرار داشتند و اکثر آنان از نعمت خواندن و نوشتن نیز محروم بوده‌اند. از نگاه دیگر این که از حیث اجتماعی هم بسیار محدود بوده و فرهنگ‌های غلط به‌عنوان رسم و رسوم ثابت رواج داشته است. جامعه حجاز سابق، جامعه یکپارچه نبوده و قبایل مختلف به اشکال مختلف کل شبه جزیره عربستان را در بر گرفته بود. اکثر قبایل عرب، کودکان دختر را زنده به گور می‌کردند و به طرز بسیار وحشیانه‌ای به قتل می‌رساندند خداوند در سوره نحل آیات ۵۸ و ۵۹ می‌فرماید:

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيَسْكُنُ عَلَىٰ هُنَّ أُمَّيَّةً إِنَّ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»

«و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره‌اش سیاه می‌گردد در حالی که خشم خود را فرو می‌خورد. از بدی آن چه به او بشارت داده شده، از قبیله خود روی می‌پوشاند. آیا او را با خواری نگاه داد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می‌کنند».

هم‌چنین، داشتن فرزند پسر را یک شهرت قلمداد می‌کردند، لذا کشتن فرزند دختر به عنوان یک عادت و سنت در قبایل مرسوم بود و چون به نسب اهمیت ویژه‌ای می‌دادند و این نسب نیز الزاماً از طریق پسر (مرد) امتداد پیدا می‌کرد، در نتیجه نقش فرزند پسر از شأنیت منحصر به فردی برخوردار بود. موضوع کشتن کودکان دختر حتی بعد از ظهور اسلام نیز در برخی از قبایل رواج داشت و به تدریج پس از ظهور اسلام و گسترش آن منسوخ شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷).

۶. حقوق کودک پس از ظهور اسلام

پیامبر اسلام صلی‌الله‌وآله اولین کسی بود که پس از ابلاغ دین مبین اسلام در عربستان توانست قبایل مختلف عرب را دور هم جمع کند و در طول بیست و سه سال جامعه واحد را در این کشور شکل دهد. اسلام کشتن فرزند را نهی فرمود و پیامبر اسلام صلی‌الله‌وآله نیز به طریق مختلف سعی نمود این عمل زشت را با تفاسیر آیات قرآن کریم به مردم گوشزد نماید. قرآن کریم ملاک برتری را تقوا و پرهیزگاری معرفی نموده و جنسیت را که برخی ملاک برتری می‌دانستند، نهی فرموده است (راسخ، ۱۳۸۷: ۲/ ۲۳). خداوند در قرآن کریم و در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست».

هم‌چنین خداوند در آیه ۹ سوره تکویر و در مذمت این عمل زشت می‌گوید:

«بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»

«به کدامین گناه کشته شد».

خداوند در توانایی محدود افراد (توانایی کودکان بسیار محدود است) نیز آیاتی را در قرآن آورده است. قرآن کریم در آیه ۲۸۶ از سوره بقره می‌فرماید:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ...»

«خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او و نیکی‌های هر شخص به سود خود او و بدیهایش نیز به زیان خود اوست...»

۷. حقوق کودک از نگاه حقوق ایران

در تعالیم اسلام، اصرار بر آن است که والدین تکلیف بزرگی در حقوق فرزندان خود دارند و شایسته است حتی قبل از تولد حقوق آن‌ها را رعایت نمایند. پیامبر صلی‌الله‌وآله کراراً در روایات خود با استناد به آیات قرآنی تأکید دارد، کودکان حقوق مسلمی را دارا هستند که می‌بایست بدان‌ها توجه نموده و به نحو شایسته به آنان پاسخ داد. حتی در احترام به حقوق کودکان و نقش مهم آن در تربیت فکری، در وقت ادای نماز که آنان به بازی مشغول بودند ممانعت نمی‌کرد و آن را جزئی از حقوق کودک معرفی می‌نمود. در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌وآله آمده است:

«دل کودک و نوجوان به مثابه زمینی مستعد است که آن چه کاشته شود، همان درو خواهد شد.»

کودکان و نوجوانان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه به نیازهای واقعی آنان در دوران کودکی و نوجوانی توجه نشود، چه بسا خسارت‌های غیر قابل جبرانی بر جامعه تحمیل خواهد شد. در واقع این نیازها از حقوق کودکان به شمار می‌آید که باید بدان توجه نمود. نیازهای کودک در برهه‌ای از زمان از دیگر زمان‌ها ویژگی و اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این میان حقوق کودک نه تنها به‌عنوان یک تکلیف بر عهده والدین است، بلکه جامعه (قدرت عمومی) نیز با توسعه سیستم‌های حمایتی و نظارتی نسبت به احقاق حق کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نموده و برنامه‌ریزی هدفداری را جهت رسیدن به هدف‌های متعالی از ره‌آورد آن برای این گروه مورد توجه قرار می‌دهد.

بی‌گمان بشریت در ادوار مختلف زندگی از پدیداری عالم تاکنون به طرق مختلف، هر چند سعی نموده، نگرش‌های نوینی را بر ارتقاء سطح فرهنگ جامعه مبتنی بر واژگان حقوقی داشته و آن را در اجتماع نهادینه کند، ولی از طرفی نیازهای اساسی آن در این بخش، یعنی کودکان، با غفلت‌های فراوانی همراه بوده که باعث شده است کودکان به طرق مختلف مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند که ناشی از زیر پا نهادن حقوق واقعی آنان است. برده‌داری، بهره‌کشی به اشکال مختلف، تجاوز، آسیب‌های روانی و جسمی و محرومیت از آموزش، بخشی از تضییع حقوق کودکان است (زیباکلام، ۱۳۸۵: ۳۵/۲).

با ظهور مکاتب جهانی و پیشرفت روزافزون حقوق فردی و اجتماعی و هم‌چنین ارتقاء آگاهی‌های عمومی و توسعه دولت‌ها و وظایف ذاتی حکومت به‌عنوان دفاع از منافع و مصالح عمومی این مهم حس شد که کودکان و نوجوانان به‌عنوان کسانی که اجتماعات آینده را تشکیل

می‌دهند و کسانی که با بارور شدن فکر آنان بسیاری از مشکلات آتی جامعه که احتمال وقوع آن به جهت عدم انجام آن تحت عنوان ترک فعل با آن روبرو خواهد شد، جلوگیری می‌گردد.

بدین مضمون سعی شد بستر مناسب جهت احقاق حقوق کودک و نوجوان و یا جلوگیری از پایمال نمودن آن در جوامع صورت گیرد. یکی از مکاتبی که به حقوق کودکان توجه جدی نموده و به حقوق کودک از انعقاد نطفه در رحم مادر تا مراحل بعد از آن را مورد توجه قرار داده است، مکتب اسلام است (سروش، ۱۳۷۹).

این مکتب در مبانی خود حتی حقوق کودک را به نحوه مراوده والدین قبل از بچه‌دار شدن ارتباط می‌دهد و نگاه ژرفی را در این حوزه به وجود می‌آورد. آنچه که از مفاهیم اسلامی و آیات قرآن کریم و روایت‌های پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام بر می‌آید، کودک دارای عواطف لطیف اخلاقی است که در بستر زمان به صورت مرحله‌ای و گام به گام شکل گرفته و به شکوفایی و رشد می‌رسد. این رشد نیازمند محیط آموزش و پرورش سالم و مناسب است (چه آموزش و پرورش سنتی و چه مدرن) تا به تدریج از بالقوه به بالفعل درآید. هم‌چنان که بدن کودک برای سالم ماندن به انواع غذاها نیازمند است، برای رشد فکری او نیز باید بستر و محیط را آماده نمود و اسباب و لوازم مناسب را در جهت حصول به این نتایج مهیا کرد.

علیرغم این که مکتب اسلام حقوق کودک را با ویژگی‌های گسترده نگاه می‌کند و نگاه ژرفی را در مواجهه با شخصیت کودک در نظر می‌گیرد باید توجه داشت که در شرایط مختلف و برداشت‌های غلط یا تفاسیر نامناسب از برخی واژه‌ها یا مفاهیم، سبب شده از نیت‌های معصومانه کودکان سوء استفاده شده و شاهد مصائب زیادی بر آنان باشیم. بیش‌ترین اجحافی که در جوامع اسلامی نسبت به حقوق کودک مشاهده می‌گردد، ناشی از تفاسیر غلط از حقوق کودک بوده است و یا فقدان قانون مدونی بوده که ضامن حقوق کودک باشد. اما در دهه‌های اخیر نگرش‌های جدیدی در حمایت از حقوق کودکان پدید آمده است و ملل اسلامی نیز همگام با جوامع جهانی سعی دارند با نگاه‌های نو نسبت به حقوق کودکان و توسعه آن به‌گونه‌های مختلف اقدام نمایند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۱۱۲/۱).

وقتی خداوند و یا قانون الهی که توسط پیامبران و اولیاء خداوند تشریح می‌گردد و یا قانونی که توسط حکومت وضع می‌شود، انجام کاری را اجازه داده و یا آن را منع نکرده باشد، کودک و یا نوجوان حق دارد از آن بهره‌مند شده و آن را انجام دهد. مثل حق زندگی، حق دانایی (از طریق تحصیل) یا حق تفکر یا حتی حق بازی که نقش اساسی در خلاقیت کودکان ایفا می‌نماید.

با توسعه جوامع کودکان حقوق دیگری دارا شدند، مانند حق داشتن هویت، تابعیت، داشتن خانواده، رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش (تعلیم تربیت)، آزادی فکر، تصمیم‌گیری و ... البته این مباحث منحصر به دین اسلام نیست بلکه همه ادیان الهی بر آن تأکید دارند اسلام نیز با گستردگی

آن را بیان نموده است (شادان، ۱۳۸۵: ۲۰۱/۱). در متون دینی از حقوق کودک و رعایت آن بر اساس کرامت ذاتی سخن به میان آمده است و کرامت ذاتی با انواع حق گره خورده است زیرا هر اصلی به یکی از انواع حقی که هر انسانی می‌تواند از آن برخوردار باشد بر می‌گردد از این‌رو ابتدا به تعریف حق و انواع حق می‌پردازیم.

۸. قتل فرزند توسط والدین از نگاه فقه اهل سنت و شیعه

اسلام والاترین نوع توجه را به کودکان عرضه کرد و پدران را از کشتن فرزندان به خاطر ترس از فقر و تنگ دستی اکیداً منع کرد چنانکه خداوند در سوره اسرا آیه ۳۱ می‌فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَتْ خَطِيئَةً كَبِيرًا»

«و از بیم تنگ دستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آن‌ها و شما روزی می‌بخشیم، آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است.»

قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مائده با توجه به مذموم بودن قتل هر انسان بی گناه می‌فرماید:

«... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...»

« هر کسی دیگری را بکشد نه در برابر قتل کسی یا تبه‌کاری در زمین، مانند آن است که همه مردم را بکشد و آن کسی که او را زنده کند، گویا همه مردم را زنده ساخته است.»

هم‌چنین در نکوهش عمل قتل بی‌گناه (چه کودک و چه بزرگسال) در آیه ۹۳ سوره نساء آمده است:

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَبِجْرَآؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»

«و کسی که مومنی را دانسته و خواسته بکشد، پس کیفرش دوزخ است، جاودان در آن و خدا بر او خشم آورد و دورش کند و(خود را) برای عذابی بزرگ آماده کند.»

در واقع آیات قرآن کریم قتل انسان را به ناحق مورد نکوهش قرار داده و مرتکبین آن را مستوجب عذاب دردناک وعده داده است.

در بین اهل سنت، فقه شافعی معتقد است که چنانچه پدری فرزند خود را بکشد کشته نمی‌شود. حنبلی‌ها نیز همین اعتقاد را دارند. حنفی نیز بر همین نکته تأکید دارد و مالکی می‌گوید:

«بنابر مذهب مالکی در صورتی که مردی دانسته و خواسته فرزندش را به قتل برساند همانند اینکه او را شکنجه کرده و سر ببرد یا او را حبس کرده، از جمله مواردی است که عذری از او پذیرفته نمی‌شود و در صورتی که ادعای خطا کند موجب شبهه نمی‌شود. در این صورت بدون هیچ گونه اختلافی همگان پدر را به فرزند، قصاص می‌کنند، ولی اگر به خاطر تأدیب مرتکب قتل فرزندش شود دو قول در مذهب است گروهی قائل به قصاص و گروهی دیگر قائل به عدم قصاص و تغلیظ دیه هستند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱/ ۶۵).

در فقه امامیه نیز اعتقاد بر این است که مادر با کشتن فرزند قصاص می‌شود ولی در صورتی که پدر فرزند را بکشد فقط به دیه محکوم خواهد شد. آن چه که از مجموع روایات و یا مستندات دوران صدر اسلام بر می‌آید این است که چنانچه پدری فرزندش را به قتل می‌رساند، قصاص صورت نمی‌گرفته است. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی گواه این مسأله است:

«پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد».

۹. سقط جنین

بسیاری از تکالیف شرعی در اسلام مثل تحریم قتل جنین، برای حفظ حیات و در راستای حق حیات انسان وضع شده است. همان گونه که بیان شد اسلام به حیات انسان ارج می‌نهد و به حفظ آن علاقه‌امند است، بنابراین جز در مواردی که ادامه بارداری موجب مرگ مادر شود، سقط جنین را مجاز نمی‌داند. حقوقدانان مسلمان معتقدند پس از کامل شدن دوره جنینی و دمیدن روح در کالبد جنین، سقط جنین مجاز نیست مگر آن که مادر در خطر باشد. در ادامه بند یک ماده شش میثاق حقوق کودک کشورهای اسلامی آمده است: سقط جنین ممنوع است مگر در صورت ضرورت ناشی از منافع مادر، جنین یا هردوی ایشان. خدا در قرآن می‌فرماید: فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما روزی شما و آن‌ها را می‌دهیم، زیرا قتل فرزندان گناه بسیار بزرگی است.

به همین دلیل است که از نظر اسلام، عوامل اجتماعی و اقتصادی دلایل معتبری برای سقط جنین تلقی نمی‌شود نظر اصلی یهودیت درباره سقط جنین در مشینه تبیین شده است: اگر زایمان زنی دشوار باشد تا حدی که حیات او در معرض خطر باشد لازم است فرزند او، مادام که هنوز در زهدان است، سقط شود زیرا زندگی مادر از زندگی جنین مهم‌تر است. اما اگر بخش اعظم بدن کودک خارج شده باشد نمی‌توان به آن صدمه‌ای وارد ساخت زیرا یک حیات نمی‌تواند از حیاتی دیگر با اهمیت‌تر باشد. این دیدگاه غایت‌گرایانه است. این موضوع در میان مسیحیان اختلاف دارد؛ آنان سقط را به طبیعی و غیر طبیعی تقسیم می‌کند و در سقط جنین غیر طبیعی یعنی خروج از

زهدان مادر اختلاف نظر دارند. برخی از مسیحیان همه موارد سقط جنین را نادرست می‌دانند (عباچی، ۱۳۸۰: ۱ / ۴۸).

برخی دیگر تصمیم‌گیری این مسأله را به عهده تک تک زنان گذاشته‌اند و به‌نوعی جزئی نگر هستند. اما به‌صورت کلی، مسیحیت نیز هم‌چون آیین یهود، در مسأله سقط جنین به سلامت مادر می‌اندیشد و اگر لازم باشد حیاتی به حیات دیگر ترجیح داده شود، حیات مادر به حیات جنین ارجحیت دارد. نظر اسلام در این زمینه نیز جدای نظر یهودیت و مسیحیت نیست و اسلام نیز معتقد است اگر ادامه حیات برای مادر با مشکل مواجه شود سقط جنین مجاز می‌شود.

۱۰. حقوق کودکان در اسلام و قوانین ایران

۱-۱۰. حق کرامت

از نظر اسلام کودک انسان، موجودی است با ارزش و به این علت است که انسان خلیفه الهی بر روی زمین است. حق کرامت بر اساس اصل کرامت ذاتی انسان است و این حق سایر حقوق را به همراه خود می‌آورد و بر اساس این حق است که خواه ناخواه این باور درباره کودک به وجود خواهد آمد که حیات و امنیت و آزادی، حق اوست و باید به گونه‌ای کرامت ذاتی حقوق کودک تنظیم گردد که با کرامت او سازگار باشد. در راه و رسم تکریم و احترام فرزندان در تمام مراحل رشد آنان تأکید شده است و رسول خدا به صراحت فرمود: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم: فرزندانان را تکریم کنید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آموخته شوید» (به نقل از عبادی، ۱۳۸۹: ۱ / ۲۳).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌وآله‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم به صورت‌های مختلف فرزندان را احترام می‌کرد و نشان می‌داد که راه و رسم تکریم فرزندان چگونه است. وجوه تکریم پیامبر صلی‌الله‌وآله‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم نسبت به فرزندان و کودکان گسترده و همه جانبه است و دارای ابعاد مختلفی است:

۱-۱-۱۰. اسلام و احترام به کودک

پیامبر صلی‌الله‌وآله‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم کودک را همه گونه تکریم می‌کرد حتی وی به کودکان سلام می‌کرد به این گونه به شخصیت کودک احترام می‌گذاشت. پیامبر صلی‌الله‌وآله‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم‌وآلہ‌وسلم با لطف و عنایت ویژه با کودک روبرو می‌شد و این گونه شخصیت کودک را گرمی می‌داشت و این چنین است که روحیه اتکا به خود در کودک بالنده می‌شود و شخصیت انسانی او ساخته می‌گردد: «کان صلی‌الله‌رؤفا رحیما بالصیبان: رسول خدا نسبت به کودک رؤف و مهربان بود». درباره احترام به کودک بند دوم ماده نه میثاق توضیح می‌دهد: هر کودکی سزاوار احترام به زندگی شخصی خویش است.

۱۰-۱-۲. احترام به بازی کودک

احترام به بازی کودک و توجه به آن و رعایت حال کودک هنگام بازی از جلوه‌های مهم تکریم فرزندان در راه و رسم نبوی بود. رفتار پیامبر در احترام به بازی کودک موجب شگفتی می‌شد به نحوی که وقتی یکی از فرزندان حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها در هنگام سجده‌ی پیامبر صلی‌الله‌وآله بر شانه‌ی پیامبر صلی‌الله‌وآله نشست و بازی کرد آن حضرت آنقدر سجده خود را طولانی کرد تا کودک از شانه‌اش پایین بیاید و پیامبر صلی‌الله‌وآله فرمود نخواستم شتاب کنم و کودک را به زمین بگذارم، صبر کردم تا خودش پایین آمد. بند یک ماده سیزده میثاق حقوق کودک کشورهای اسلامی به اوقات فعالیت و استراحت کودک اختصاص دارد و بیان می‌کند کودک طی اوقات فراغت خویش سزاوار برخورداری از فرصت استراحت، بازی و انجام فعالیت‌های مشروع متناسب با سن خود می‌باشد (ضیایی، ۱۳۸۵).

۱۰-۱-۳. منع شکستن روانی کودک

پیامبر صلی‌الله‌وآله بسیار حساس بود که کودک دچار شکست روانی نشود تا کرامتش آسیب ببیند و هر چه موجب شکسته شدن روحیه کودک می‌شد منع می‌فرمود. وی در تمام مراحل رشد فرزندان رفتارهای کریمانه و محترمانه را پاس می‌داشت و این رفتارها را نسبت به همه کودکان چون فرزندان خود روا می‌ساخت تا همگی کریم و عزیز بار بیایند.

از نمونه‌های زیبا و لطیف در رفتارشناسی پیامبر اکرم صلی‌الله‌وآله در این باره روایتی از دایه امام حسین علیه‌السلام نقل است روزی رسول خدا صلی‌الله‌وآله حسین علیه‌السلام را در آن زمان که شیر خوار بود از من گرفت و در آغوش کشید. کودک لباس پیامبر صلی‌الله‌وآله را تر کرد، من طفل را چنان با شدت از پیامبر صلی‌الله‌وآله جدا کردم که گریان شد، پیامبر صلی‌الله‌وآله فرمود: آرام، لباس مرا آب تطهیر می‌کند، ولی غبار کدورت و رنجش را از قلب کودک چه چیز می‌تواند برطرف نماید؟

پیامبر صلی‌الله‌وآله مراقبت نسبت به کودک و پرهیز از ایجاد کدورت و رنجش روحی او را تا این اندازه لازم می‌دانست، و به همگان این رفتار را می‌آموخت.

۱۰-۲. حق آزادی

آزادی که اصل آن؛ مسأله‌ای فطری است اما وقتی نوع نگرش به اهداف و غایت زندگی بشر در آن دخیل می‌گردد برداشت از آن؛ متفاوت می‌شود. از نظر اسلام خداوند با همه سلطه و سیطره‌ای که بر همه موجودات دارد؛ انسان را در حدود و اختیاراتی که به او بخشیده مطلقاً ملزم به عمل نساخته و فعالیت او را مانند حیوانات محدود به قوای طبیعی و غریزی ننموده؛ بلکه تنها به وسیله امر و نهی و ارشاد به عواقب امور، افعال و حرکات او را تحت انضباط و انتظام در آورده و سرنوشت انسان را به اراده و اختیار او دانسته است. این حق دارای مصادیق فراوانی و از آن جمله: آزادی

فردی، آزادی مذهب، آزادی اندیشه و حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی می‌باشد. اسلام به حق آزادی کودک در هر زمینه‌ای ارزش می‌دهد و این به مسأله تربیتی کودک مرتبط است از نظر اسلام کودک تا قبل از سن هفت سالگی از هرگونه مسئولیت آزاد است و این آزادی در زمینه‌های دینی و اندیشه است.

از نظر اسلام تربیت اصلی کودک از سن هفت سالگی به بعد است زیرا از سن هفت سالگی به بعد قوه تشخیص و تمیز کودک به‌خوبی فعالیت می‌کند. سال‌های آغازین کودکی، سال‌هایی است که کودک هنوز درک کاملی از خوب و بد و سود و زیان و این‌که چه باید کرد و نباید کرد ندارد، اما بسیار کنجکاو بوده و پیوسته در پی واریسی اشیا و شناخت آن‌هاست و هرچه را به دست آورد، با حواس خود و نگاه ولمس بررسی و آزمایش می‌کند. دورانی که هنوز کودک شناخت چندانی از اشیا و امور ندارد و واریسی اشیا، تنها روشی است که به وسیله آن شناخت پیدا کند. از این رو مرییان و والدین نباید راه شناخت اشیا و امور را بر روی کودک بندد و با سخت‌گیری‌ها و امر و نهی‌های بی‌جا مانع رشد و شناخت کودک شود (عباسی، ۱۳۸۹: ۲۰/۱).

اسلام کودک را در این سنین آزاد می‌گذارد تا هرگونه که خواستند، رفتار کنند زیرا شیوه‌ای جز این، بر خلاف طبیعت کودک است و حرکت معقول و منطقی تربیتی به‌شمار نمی‌رود. به همین جهت اسلام، بر کودک تکلیف و امر و نهی ندارد، بلکه می‌گوید دوران نخست کودکی تا هفت سالگی دوران حکومت کردن و دستور دادن کودک است و بر والدین است که دستورهای کودک را اطاعت کنند: «الوالد سیاد سبع سنین؛ کودک تا هفت سال حاکم است» (عبادی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۸).

میثاق حقوق کودک؛ آزادی کودک را در دو نوع آزادی شخصی و آزادی تجمع بیان می‌کند. ماده نه و ده میثاق به این مسأله اختصاص دارد، میثاق درباره آزادی‌های شخصی کودک توضیح می‌دهد:

«هر کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود است، بایستی بر اساس سن و بلوغ خود از حق ابراز آزادانه آن‌ها در کلیه اموری که به وی مربوط می‌شود، به صورت شفاهی، کتبی و یا از طریق دیگر ابزار قانونی به گونه‌ای که مغایر با شریعت و کرامت ذاتی نباشد، برخوردار باشد».

و در ماده ده آمده است:

«هر کودکی از حق تشکیل و پیوستن به هرگونه مجامع غیر نظامی و مسالمت‌آمیز مبتنی بر مقررات قانونی و مشروع در جامعه خویش و به طریقی که سازگار با سن وی باشد و رفتار، سلامتی و میراث وی را تحت تأثیر قرار ندهد، برخوردار است».

و بر اساس بند یک ماده نوزده، هیچ کودکی نبایستی از آزادی خود محروم شود، مگر مطابق قانون و برای یک مدت معین و معقول (راسخ، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۳).

۱۰-۳. حق برابری و مساوات

برابری و مساوات نشانه عدالت است. عدالت در لغت، به معنای استقامت چیزی، مستقیم بودن، مساوات، داد، انصاف، حکم حق، میزان و امر متعادل؛ آمده است. از مجموع تعاریفی که زبان شناسان در مورد عدالت ذکر کرده‌اند به این نتیجه می‌رسیم که در تعریف عدالت؛ عمدتاً بر واژه‌های مساوات، برابری، میانه‌روی، حد وسط میان افراط و تفریط تکیه شده است که در یک جمله می‌توان گفت قرار دادن هر چیزی در جای خود، رعایت اعتدال و حد وسط است. عدالت و مراعات؛ مجموعه حقوق و ارزش‌هاست. یک مجموعه متقابل و متوازن عادلانه آن است که به همه ارزش‌ها وفا کند.

عدالت عبارتست از صفتی که یک مجموعه متعادل دارد و تعادل مجموعه در گرو حفظ حیات همه حقوق است نه بعضی از آن‌ها. عدالت در میان کودکان در بوسه‌ها و محبت‌ها و بغل گرفتن و پاداش‌ها و جایزه‌ها متجلی می‌شود. اگر پدر و مادر رعایت عدالت و مساوات را نکنند و یک کودک را بر دیگری ترجیح دهند یا یکی را در آغوش بگیرند و دیگری را نگیرند یکی را ببوسند و دیگری را نبوسند ممکن است آرامش خانواده در خطر افتد در نتیجه سرچشمه کینه توزی و بدبینی‌ها را در همین جا باید پیدا کرد و بزرگ‌ترین لطمه روحی بر شخصیت او وارد شده است و نتیجه این بی عدالتی حقارت و رنج کودک می‌شود.

حال اگر والدین میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنند رابطه میان کودکان قوی می‌شود و می‌آموزند که چگونه باید با دیگران همکاری کنند. درباره حق برابری و مساوات کودک، می‌توان به تاریخ اسلام رجوع کرد. در زمان جاهلیت، اعراب تفاوت خاصی میان دختر و پسر قائل بودند و دختران خود را زنده به گور می‌کردند و خداوند با نزول سوره کوثر شأن دختر را به اعراب نشان داد و عدم تبعیض میان دختر و پسر، نشانگر حق برابری و مساوات است. یکی از اصول مهمی که باید درباره حقوق کودک مورد توجه قرار گیرد، رعایت برابری و مساوات در برخورد با آن‌هاست.

سیره معصومان علیهم‌السلام در این زمینه بیانگر رعایت و مساوات بین فرزندان دختر و پسر و تفاوت نگذاشتن بین آن‌ها، به ویژه در ابراز محبت و اهدای هدیه است. محبت نیاز اساسی و طبیعی انسان به خصوص کودکان است. بدون شک اگر در کودکی از محبت پدر و مادر محروم شده باشند عطش شدیدی وجود دارد که سیراب ناشدنی می‌باشد. عدم ارضای نیاز کودک به محبت زمینه را برای کمرویی او فراهم می‌سازد از طرفی در محبتی که به کودک ابراز می‌شود باید شرایطی را مراعات کرد از جمله: محبت به کودک باید راستین و یکسان باشد (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۱ / ۱۳۱).

درباره رعایت این حق روایتی موجود است: پیامبر اکرم صلی‌الله‌وآله در حال سخن گفتن با یاران خود بود کودکی وارد شد و به طرف پدر خویش که در کنار جمعیت بود، رفت پدر دستی بر سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نهاد اندکی بعد دختر آن مرد وارد شد و نزد پدر رفت پدر دستی بر سر او کشید و او را در کنار خویش بر زمین نشانده؛ پیامبر صلی‌الله‌وآله که برخورد دوگانه‌ی پدر را

مشاهده کرد فرمود: چرا او را بر زانوی دیگر خود نشاندی؟ پدر او را بر زانوی خود نهاد؛ در این هنگام پیامبر صلی‌الله‌وآله‌وآلہ‌وسلم فرمود اکنون عدالت را رعایت کردی. با توجه به روایات و سیره‌های معصومان علیهم‌السلام می‌توان گفت رعایت مساوات بین فرزندان، از نکات ضروری در حقوق آن‌هاست. در سیره معصومان علیهم‌السلام، رعایت مساوات در برخورد با کودکان از نظر تربیتی، مطلوب و به‌عبارتی مستحب است و اگر رعایت نشود باید منتظر آثار سوء احتمالی آن بود.

محدوده این مساوات در همه رفتارها به ویژه در ابراز محبت و دادن هدیه به کودک است؛ چون در این مورد، در روایات تأکید بیش‌تری شده است. ماده پنج میثاق به برابری اشاره می‌کند و مقرر کرده است: کشورهای عضو، برابری تمامی کودکان را به‌گونه‌ای که در قانون مقرر شده است، جهت برخورداری از آزادی‌ها و حقوق خود که در این میثاق تصریح شده است، بدون توجه به جنسیت، تولد، نژاد، دین، زبان و تعلقات سیاسی یا هرگونه ملاحظه دیگر که بر حق کودک، خانواده یا نماینده قانونی یا شرعی وی اثر گذار باشد، تضمین می‌نمایند (زمانی، ۱۳۹۰: ۶۵/۲).

یکی از مصادیق حق برابری و مساوات، توجه به حقوق کودک معلول است که برای چنین کودکانی برابر کودکان سالم حقی وضع شود بر اساس این مصداق؛ ماده شانزدهم میثاق به کودکان معلول و دارای نیازهای خاص می‌پردازد:

۱. کودک معلول یا دارای نیازهای خاص، سزاوار بهره‌مندی از مراقبت ویژه که حقوق کامل وی را تضمین نموده و متناسب با وضعیت وی و موقعیت والدینش یا شخص عهده‌دار مسئولیت وی و نیز قابلیت‌های موجود است، می‌باشد. این خدمات بایستی تا حد امکان به طور رایگان یا با هزینه اندک فراهم گردد.

۲. اهداف مراقبت از کودک معلول یا کودک دارای نیازهای خاص، تحصیل، توانبخشی و آموزش، تدارک ابزار مناسب حرکتی (خدمات طبی، روحی، اجتماعی، تحصیلی، حرفه‌ای و تفریحی) به منظور توانمند ساختن وی جهت ادغام در جامعه است.

۱۰-۴. حق امنیت

از جمله حقوق مسلم کودک، تأمین امنیت آنان پیش از ولادت و پس از آن است. قبل از اسلام در میان اعراب وضعیت کودک بسیار بد بود. کودک از حقوق عادی خود محروم و مقهور اراده پدر بود. اگر پدران فرزندان را می‌خواستند آن‌ها را نگاه می‌داشتند و اگر نه، برای رهایی از نفقه و حضانت و هزینه زندگی، آنان را می‌کشتند. بزرگان عرب و افراد سرشناس نیز دختران را مایه عار و ننگ خود می‌پنداشتند و برای رهایی از این ننگ و عار آن‌ها را زنده به گور می‌کردند (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳/ ۲۵۰). از مصادیق حق امنیت، حضانت و تأمین امنیت اجتماعی و مالی فرزند است:

۱۰-۴-۱. حضانت

نگهداری و تربیت طفل در صورتی که والدین با یکدیگر به سر برند مشترکاً به عهده پدر و مادر است و در صورت طلاق، حضانت فرزندان تا هفت سالگی بر عهده مادر و پس از آن دادگاه در صورت حدوث اختلاف بین والدین، با رعایت مصلحت کودک در مورد حضانت او تعیین تکلیف می‌کند. مطابق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، حق مادر پس از ازدواج مجدد از بین می‌رود.

بند یک ماده چهارده میثاق بیان می‌کند: هر کودکی مستحق حضانت و نگهداری است تا وی را در برابر تلف شدن به دلیل ناتوانی جهت حفظ و نگهداری خویش مصون بدارد. اسلام برای تمام کودکان چه دختر چه پسر حقوقی معین نموده و هرگونه قتل و بی‌رحمی نسبت به آنان و یا بی-اعتنایی به شخصیت آن‌ها را منع کرده است. از نظر قرآن والدین نه تنها وظیفه دارند که حافظان خوبی برای فرزندان باشند بلکه باید بکوشند که آن‌ها را از هر گزند و آسیبی دور نگه دارند.

در تعالیم اسلامی علاوه بر تکالیف عمومی که زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند باید به مبانی خانواده و تربیت فرزندان کمال همکاری را داشته باشند. لذا در فقه اسلامی نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف به شمار می‌آید. از نظر تعالیم اسلامی نگهداری و تربیت طفل را حضانت می‌گویند.

«نگهداری طفل عبارت است از ایجاد زمینه مناسب برای بقاء، نمو، بهداشت روانی و جسمی، ارضاء کامل تمایلات باطنی کودک و توجه به تمام جهات شخصیت او فقط در محیط خانواده میسر است. آغوش گرم مادران و دامن پر مهر پدران می‌تواند این وظیفه را بر عهده بگیرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳/۲۵۰).

فقه اسلامی بحث حضانت و نگهداری طفل را از مهمات و حقوق کودک می‌داند که وظیفه مادر در ایام شیرخوارگی ارجح خواهد بود. پس از آن تا دوسالگی نسبت به پسر و برای دختر تا ۷ سالگی شایسته‌تر است که طفل را سرپرستی نماید. ولی آنچه از تربیت اسلامی برداشت می‌گردد وظیفه پدر و مادر مشترکاً برای ادای تکلیفی که در تعلیم و تربیت کودک و نوجوان وجود دارد تأکید شده است. بر اساس فقه اسلامی در صورتی که مادر با دیگری ازدواج کند و دارای فرزند باشد حق حضانت او ساقط می‌شود در تشریح این موضوع بحث اخلاق و تربیت را مطرح نموده‌اند که ممکن است شوهر آن زن دارای اخلاق شایسته نباشد و در تربیت طفل قصور نماید. به موجب اصلاحیه ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی ایران، حضانت و نگهداری طفل دختر و پسری که والدین آن‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند تا هفت سالگی با مادر و پس از آن با پدر است و به موجب تبصره ذیل همان ماده پس از هفت سالگی در صورت بروز اختلاف در مورد نگهداری آن کودک با رعایت مصلحت کودک با نظر دادگاه خواهد بود و چنانچه مادر در مدت زمانی که نگهداری طفل به او سپرده شده مجنون شود یا ازدواج نماید، حق حضانت از او سلب می‌گردد (موحد، ۱۳۸۲: ۲ / ۲۱۳).

در بحث از حضانت، توجه اسلام و قانون ایران به طفل یتیم حائز اهمیت است در آیه ۹ سوره الضحی آمده است: «فاما الی یتیم فلا تقهر». «هرگز یتیم را از خود مرنجان». خداوند توجه به کودکان یتیم و بی سرپرست را مورد یادآوری قرار داده است و در آیه ۸ از سوره انسان فرمودند:

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»

«و غذایشان را سبب دوستی به مسکین و یتیم و اسیر می دهند».

ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی ایران به تبعیت از موازین اسلامی، درباره شرایط حضانت در صورت فوت یکی از ابویین بیان می دارد:

«در صورت فوت یکی از ابویین، حضانت طفل با آن که زنده است خواهد بود، هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد».

به موجب قانون مدنی ایران، حضانت فرزندی که پدر فوت شده است با مادر او خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزند چنانچه از اموال خودش باشد در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت پرداخت می شود در اختیار مادرش قرار می گیرد مگر آن که دادگاه صالح در مورد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بکند (عبادی، بی تا).

اسلام به اموال و ارث فرزند یتیم توجه دارد و تاکید فراوان بر حفظ این گونه اموال می کند تا وقتی طفل به سن بلوغ رسد و براساس مصالح خویش، اموال را مصرف کند درباره این موضوع؛ آیات گوناگونی نازل شده است:

در سوره نسا آیه ۲ آمده است:

«وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»

«مال یتیمان را به یتیمان دهید و حرام را با حلال مبادله نکنید و اموال آن ها را همراه با اموال خویش مخورید که این گناهی بزرگ است».

و در همان سوره آیه ۶ آمده است:

«وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا»

«یتیمان را بیازمایید تا آن گاه که به سن زناشویی رسند، پس اگر در آنان رشدی یافتید اموالشان را به ناحق و شتاب مخورید».

قرآن کریم تزییع اموال یتیمان و دراز دستی به آن را نهی فرموده است و در آیه ۱۵۲ سوره انعام چنین می‌فرماید:

« وَآتَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ ... »

«و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید و...»

از جمله حقوقی که برای کودک درباره حضانت مطرح است؛ حق تغذیه با شیر مادر است که اسلام بر این مساله تاکید دارد. حق تغذیه کودکان از جمله حقوقی است که در دهه‌های اخیر به صورت رسمی در اصل چهارم اعلامیه جهانی حقوق کودک تحت عنوان «کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد». بدان تصریح شده است، بعدها در ماده بیست و چهارم کنوانسیون حقوق کودک از کشورهای طرف کنوانسیون خواسته شد که با بیماری‌ها و سوء تغذیه کودکان مبارزه کنند و نسبت به مزایای تغذیه با شیر مادر تمام قشرهای جامعه مخصوصاً والدین را آگاه سازند. اما در اسلام، چهارده قرن قبل، تغذیه کودک با شیر مادر به عنوان یکی از حقوق کودک به رسمیت شناخته شده است.

حق تغذیه نوزاد با شیر مادر از جمله حقوق کودکان است که علاوه بر قرآن، در روایات اسلامی نیز از این حق به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است و در متون فقهی هم در ابعاد مختلف آن بحث شده است. اهمیت این امر از آن جهت است که در دوران شیر خواری علاوه بر اینکه ساختمان جسمی کودک محکم می‌شود؛ ساختار روحی او نیز تکوین می‌یابد. از این روست که از دیدگاه روایات اسلامی تغذیه کودک از دو جهت در چگونگی وضعیت مزاجی و ساختار جسمانی او و سلامت و نیرومندی و یا بیماری و ناتوانی او و دیگر در اخلاقیات و نفسانیات کودک (عباسی، ۱۳۸۹). در سوره بقره آیه ۲۳۳ آمده است:

« وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ ... »

«و مادران باید فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند ای حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیر خواری را تکمیل کند.»

هم‌چنین پیامبر اسلام صلی‌الله‌وآله فرموده‌اند:

«لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ : شیری برای کودک بهتر از شیر مادر نیست.»

بر اساس دستورات الهی و نوامیس طبیعت، بهترین شیر برای نوزاد و کودک در درجه نخست شیر مادر است و منع غیر موجه نوزاد از شیر مادر، اجحاف در حق کودک خواهد بود. در وسایل الشیعه از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده است که فرموده‌اند:

«ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکه علیه من لبن امه: هیچ شیری برای تغذیه کودک پربرکت‌تر از شیر مادرش نیست».

۱۰-۴-۲. امنیت اجتماعی و مالی کودک

کشورهای اسلامی در بند دوم و سوم ماده چهارده پیمان بسته‌اند که بر طبق قوانین ملی خود، حق هر کودکی را برای سود بردن از امنیت اجتماعی به رسمت بشناسند. همچنین کشورهای عضو در خصوص امنیت مالی کودک ملزم به کاهش هزینه خدمات و معافیت کودک از عوارض و مالیات‌ها می‌باشند که این الزام در جهت تامین امنیت مالی کودک است.

یکی از محورهای اساسی در تامین امنیت مالی کودک تصرف در اموال و اداره حقوق مالی اوست. به اتفاق فقها و حقوق دانان اسلامی این امر از آن پدر است و از آن به لایت قهری بر اموال کودک تعبیر می‌شود.

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در تحریرالوسیله، ولایت، تصرف در اموال کودک و توجه به مصالح و امور وی را از آن پدر و جد پدری دانسته و در صورت نبود وصی، حاکم شرع را عهده‌دار آن می‌داند.

ابن سنان گوید از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم مردی از دنیا رفت و همسر و فرزندی از او باقی ماند. مادر، کودک را به خادمش سپرد و او را شیر داد سپس نزد وصی آمد تا از او مطالبه اجرت کند. حضرت علیه‌السلام فرمود: «زن مستحق اجرت المثل است و وصی نمی‌تواند کودک را از او بستاند تا اینکه به سن بلوغ برسد و آن‌گاه وصی اموال کودک را به وی برگرداند».

مطابق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی؛ طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و مطابق ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی، هریک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آن‌ها مواظبت کرده و اموال آن‌ها را اداره نماید.

در صورتی که طفل؛ فاقد ولی خاص باشد برای اداره امور مالی وی می‌بایستی قیم تعیین نمود که قیم نیز با پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه مدنی خاص تعیین می‌شود در این صورت مادر طفل در صورتی که واجد صلاحیت بوده و ضمناً ازدواج نکرده باشد بر هر شخص دیگری مقدم است در غیر این صورت در ردیف سایر اقربای طفل قرار می‌گیرد. در این راستا مطابق ماده ۱۲۳۳ قانون مدنی، زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود؛ سمت قیمومیت را قبول کند (عبادی، ۱۳۸۹: ۲۳/۱).

۱۰-۵. حق رفتار انسانی

رفتار انسانی در حقوق ایران به تربیت کودک مربوط می‌شود که شامل توجه به کودک توسط والدین و حسن معاشرت والدین مربوط است:

۱۰-۵-۱. توجه به کودک و رعایت حقوق او توسط والدین

از دیدگاه اسلام، لازم است والدین که مهم‌ترین نقش آفرینان در حوزه تربیت نسل جدید محسوب می‌شوند و مسئولیت سنگین آن را به عهده گرفته‌اند، با بهره‌گیری از روش‌های صحیح و اطمینان بخش و با رعایت حقوقی که دین مبین اسلام معین فرموده؛ فرزندان خویش را در امر تربیت یاری نموده و برای پرورش خلاقیت‌های فرزندان و شکوفایی استعدادهای خدادادی آنان به حقوق اساسی فرزندان‌شان توجه کنند. توجه والدین به حقوق فرزندان و رعایت آن می‌تواند فرزندان شایسته و با ایمان به جامعه تحویل دهد (عباچی، ۱۳۸۰: ۲۳/۱).

بنابراین اگر والدین نسبت به کودک به مهری نموده و نیازهای عاطفی وی را برآورده نسازند، محیط خانواده به‌عنوان یک عامل خطرزا عمل کرده و احتمال بزهکار شدن کودک را افزایش می‌دهد. در تعالیم و توصیه‌های بزرگان دینی نیز می‌توان به این مهم پی‌برد؛ به‌عنوان مثال در روایات آمده است که حسین بن بشیر واسطی به امام رضا علیه‌السلام نامه‌ای نوشت که یکی از بستگانم درخواست وصلت با دختر مرا دارد ولی وی بد اخلاق است. حضرت علیه‌السلام در جواب فرمودند: اگر اخلاقش بد است با او وصلت نکن.

به تعبیری دیگر، وجود خصایصی مانند اخلاق بد در والدین، آن‌ها را در امر تربیت فرزندان و ارضای خواسته روحی و روانی آن‌ها ناتوان خواهد کرد و ضمن جریحه‌دار کردن عواطف و احساسات فرزندان؛ آن‌ها را دچار کمبودهای متفاوت از جمله کمبود محبت می‌سازد.

۱۰-۵-۲. حسن معاشرت والدین

از ویژگی‌های حقوق ایران، پایه‌ریزی احکام خاص در بین افراد خانواده است. یکی از این احکام؛ اصل حسن معاشرت است که قرآن کریم آن را حاکم بر روابط زوجین می‌داند. حسن معاشرت مبتنی بر اصل مودت و رحمت است. مودت و رحمت زمانی حاصل می‌شود که زوجین عامل سکینه قلب و ایجاد امنیت روانی یکدیگر باشند. اما خانواده‌ای که در آن زوجین دائماً در حالت مشاجره و درگیری به‌سر می‌برند، احساس ایمنی، دچار تردید خواهد شد و عصیان و تردید به‌صورت خود آگاه و ناخودآگاه زمینه‌ی انحرافات بعدی را فراهم می‌آورد (زمانی، ۱۳۹۰: ۲/ ۶۵).

۱۰-۶. حق تعلیم و تربیت

یکی از حقوق مسلم در اسلام، حق تعلیم و تربیت است که حقی مساوی میان همه کودکان است. اسلام فراگیری علم و ادب را جزو فرائض قرار داده و به مربیان خانواده تشویق و تحریص کرده که فرزندان خود را معرفت و ادب آموزند. از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌وآله روایت شده که فرمود معیار ارزش انسان در اسلام به علم و معرفت و ادب و تربیت است (سروش، ۱۳۷۹).

عامل تربیت در اسلام محبت است عاملی که سبب پیوند فرزند و اولیا می‌شود و در جامعه نیز نمود پیدا می‌کند. روش اسلام تربیت کودک از طریق پند و نصیحت و توأم با ارفاق و احتیاط است که باید در عین حال دل نشین و موثر باشد. یکی از وصایای امام علی علیه‌السلام این بود که در خانواده خود با کودک با عطف و مهربان باشید. مهم‌ترین حقوق کودک به والدین؛ حق تربیت شایسته است.

آیین مقدس اسلام، تأمین سعادت فرزندان را از وظایف و تکالیف مسلم والدین دانسته است. آنچه در تعلیم و تربیت اسلامی دیده می‌شود یک تربیت صحیح و منطقی است تربیتی که بر اساس اصول مبانی محکم استوار است و تمام ابعاد اساسی شخصیت آدمی را در نظر گرفته است. هدف این نظام تربیتی این است که فردی که در هر زمینه‌ای رشد یافته است؛ به تربیت کودک بپردازد. از دیدگاه اسلام، بزرگ‌ترین حق کودک نسبت به والدینش این است که از تربیت دینی برخوردار گردد و به‌صورت کلی تربیت دینی یعنی اینکه کودک به گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات، همگونی داشته باشد و نهایتاً آن‌گونه شود که بتوان او را مسلمان به‌معنای واقعی کلمه دانست (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۷).

در این اصطلاح، تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز در بر می‌گیرد و شخصیت انسان را پوشش می‌دهد. اسلام نه تنها حق با سواد شدن را به همه انسان‌ها می‌دهد و این امر را وظیفه والدین می‌داند که فرزندان‌شان را با سواد کنند؛ بلکه وظیفه حکومت اسلامی می‌داند که به‌طور رایگان وسیله صحیح تعلیم و تربیت را در اختیار مردم قرار دهد و آنان را باسواد کند. چنان که در بحث حقوق متقابل؛ زمامدار و ملت، اسلام؛ یکی از حقوقی را که ملت بر گردن زمامدار دارد؛ همین تعلیم و تربیت رایگان معرفی می‌کند.

توسعه مادی و معنوی جوامع انسانی در گرو آموزش و پرورش است. کسب علم و رفتار مبتنی بر علم، ضامن سعادت است. حق تعلیم و تربیت، حقی است که حقوق ایران بر آن تأکید زیادی دارد و بر اساس آموزش و پرورش، تحقق می‌یابد. مقدمه هر نوع آموزش به کودک، آموزش خواندن و نوشتن است، زیرا کسی که خواندن و نوشتن نداند، اگر نگوئیم آموزش برای او میسر نیست، دست کم دشوار است. معصومان علیهم‌السلام در آموزش کودک، نخست به آموزش خواندن و نوشتن می‌

پرداختند. استفاده از اسیران جنگی برای آموزش کودکان بیانگر سیره پیامبر صلی‌الله‌وآله در توجه به آموزش و سواد در دوران کودکی است. پیامبر صلی‌الله‌وآله می‌فرماید: «تعلموا العلم صغارا تسو دوا به کبارا: در کودکی علم بیاموزید تا به وسیله آن در بزرگی آقایی و سروری کنید».

ماده دوازده و بند یک ماده بیستم میثاق اشاره دارد به حق تعلیم و تربیت برای کودک:

« ۱. هر کودکی حق برخورداری از آموزش ابتدایی رایگان در کنار یادگیری اصول آموزش اسلامی (همچنین عقیده و شریعت براساس موقعیت) و تدارک امکانات لازم جهت توسعه قابلیت‌های فکری، روحی و جسمی خویش را دارد تا به وی امکان قرار گرفتن در معرض الگوهای مشترک فرهنگ انسانی را اعطاء نماید.

۲. کشورهای عضو میثاق حاضر موارد ذیل را فراهم خواهند نمود:

الف - آموزش ابتدایی رایگان و اجباری برای تمامی کودکان به طور برابر

ب - آموزش متوسطه رایگان و اجباری بر مبنای تصاعدی به گونه که طی ۱۰ سال این امر برای تمامی کودکان فراهم شود.

ج - آموزش عالی در عین توجه به استعداد و علاقه هر کودک مطابق سیستم آموزش در هر کشور.

د- حق هر کودک جهت انتخاب پوشش «سازگار با اعتقادات وی» در عین رعایت شریعت اسلامی، عفت و آداب عمومی.

ه- برخورد مؤثر با مشکل بیسوادی، ترک تحصیل و افرادی که آموزش ابتدایی را از دست می‌دهند.

و- توجه به دانش‌آموزان برجسته و نابغه در تمامی مقاطع آموزشی.

ز - تولید و نشر کتب کودکان، تأسیس کتابخانه‌های کودکان و بهره‌برداری از رسانه‌های جمعی جهت تبلیغ مطالب هنری، اجتماعی و فرهنگی مربوطه به کودکان و مشوق تحصیل کودکان.

۳- مفاد این ماده و ماده ۱۱ بلافاصله مقدم بر آن نباید در تضاد با آزادی کودک مسلمان جهت تشریک مساعی در مؤسسات آموزشی خصوصی گردد، منوط به این‌که مقررات شریعت اسلامی توسط این‌گونه مؤسسات محترم شمرده شده و آموزش ارائه شده در این‌گونه مؤسسات معیارهای تعیین شده توسط دولت را مراعات نمایند. و ماده بیست‌والدین: یا شخصی که قانوناً مسئول است متعهدند که آموزش و پرورش شایسته برای کودک فراهم نمایند» (به نقل از ضیایی، ۱۳۸۵).

۱۱. شیوه‌های حمایتی حقوق کودک

کشورهای اسلامی بر اساس موازین اسلامی شیوه‌های حمایتی مختلفی را برای رعایت حقوق کودک در میثاق حقوق کودک بیان کرده است. ماده چهار میثاق مربوط به تعهدات کشورهاست که به این شرح می‌باشد:

«کشورهای عضو این میثاق موارد ذیل را رعایت خواهند نمود:

۱- احترام به حقوقی که در این میثاق تصریح شده و اتخاذ تدابیر لازم جهت تقویت آن براساس مقررات داخلی.

۲- احترام به وظایف و مسئولیت‌های والدین، سرپرستان قانونی یا دیگر اشخاصی که براساس مقررات داخلی موجود قانوناً مسئول کودک هستند، به گونه‌ای که منافع کودک ایجاب می‌نماید.

۳- خاتمه اقدام مبتنی بر رسوم، سنت‌ها یا رویه‌هایی که در تضاد با حقوق و وظایف مصرحه در این میثاق می‌باشند».

بند دو ماده شش میثاق عنوان می‌کند:

«کشورهای عضو این میثاق بنیان‌های لازم برای بقا و رشد کودک و حمایت از وی در مقابل خشونت، سوء استفاده، بهره‌کشی و شرایط بد زندگی و سلامتی وی را تضمین می‌نمایند» (به نقل از اسلامی، ۱۳۸۶: ۳ / ۲۵۵).

هم‌چنین ماده هفده و هجده و بند دو ماده بیست مربوط به حمایت از کودک است:

«کشورهای عضو، تدابیر لازم را جهت حفاظت از کودک در مقابل موارد ذیل به عمل خواهند آورد:

۱. استفاده از مواد مخدر، مسکرات و مواد مضر یا مشارکت در تولید، ترویج یا داد و ستد آن‌ها.

۲. تمامی اشکال شکنجه، مجازات تحقیر آمیز یا غیرانسانی در تمامی وضعیت‌ها و حالت‌ها یا قاچاق، ربودن یا داد و ستد وی.

۳. تمامی اشکال سوء استفاده به ویژه سوء استفاده جنسی.

۴. تهاجم فرهنگی، ایدئولوژیکی، اطلاعاتی و ارتباطاتی که با شریعت اسلامی یا منافع ملی کشورها یا عضو تناقض دارد.

۵. حفاظت از کودکان به واسطه عدم درگیر نمودن آن‌ها در منازعات مسلحانه یا جنگ‌ها».

ماده هجده:

- « ۱. کودک نایستی هیچ‌گونه کار خطرناک یا کاری که از تحصیل وی ممانعت می‌کند یا به قیمت سلامتی و رشد جسمی و روحی وی صورت می‌گیرد، انجام دهد.
۲. مقررات داخلی هر کشور بایستی حداقل سن کار و نیز ساعات و شرایط کار را تثبیت نماید. افرادی که اینگونه قوانین را نقض می‌کنند، بایستی مجازات شوند».

بند دو ماده بیست عبارتست از والدین یا شخصی که قانوناً مسئول است و کشورهای عضو این میثاق بر طبق قوانین و بدون پیش داوری نسبت به شریعت اسلامی، از کودک در مقابل رویه‌ها و رسومی که از جهت اجتماعی یا فرهنگی مضرند یا برای سلامتی وی زیانبار می‌باشند و رویه‌هایی که آثار منفی بر رفاه، شأن و رشد وی دارند و نیز آن‌هایی که منجر به تبعیض میان کودکان بر مبنای جنسیت یا دیگر زمینه‌ها می‌شوند، حفاظت خواهند.

۱۲. نتیجه‌گیری

کرامت ذاتی حقوق کودک در ایران، بستگی به مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی و همچنین نحوه نگرش به هستی‌شناسی دارد. اصول حقوق کودک در حقوق ایران بر اساس مباحث تعلیمی و تربیتی مبتنی بر توجه به همه ابعاد وجودی انسان است. حقوق ایران که متکی بر آیات و روایات و فقه اسلامی است؛ توجه به ابعاد تربیتی کودک می‌کند و اصول ذکر شده در حقوق بشر را مسلم می‌داند و به مسائل دیگر کودک می‌پردازد. توجه به انسان و خواسته‌های او که در مبانی بیان می‌شود در اصول به صورت مبسوط و جهت دار به آن پرداخته شده است.

درباره حق کرامت؛ دیدگاه حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک مشترک است. لازمه توجه به حق کرامت برای کودک در روند رشد او قابل مشاهده است. از نظر حقوق ایران و کنوانسیون؛ کودک در فرایند تربیتی، نیازمند توجه ویژه‌ای است و این توجه ویژه منوط به اصل کرامت ذاتی انسان است که کودک از آن برخوردار است. از نظر حقوق ایران و کنوانسیون، کودک از آسیب پذیری بسیاری برخوردار است و اگر در فرایند تربیت، حق کرامت ذاتی رعایت نگردد امکان منحرف شدن کودک از مسیر صحیح و آسیب رسیدن به تربیت او زیاد است. زیرا بر اساس روایات اسلامی، کودک زمینه مستعدی برای دریافتن هرگونه امور خوب و بد را دارد. اصولی همچون؛ آزادی، برابری، مساوات و عدالت.

توجه به حق کرامت در حقوق ایران و کنوانسیون هم بر اساس مکتب اخلاقی و وظیفه‌گرایانه است و همچنین غایت‌گرایانه بر اساس سعادت است. افراد وظیفه دارند حق کرامت کودک را محترم شمارند تا کودک به سعادت که از نظر حقوق ایران زندگی سعادت‌مندانه اخروی و دنیوی است نائل شود. در حقوق ایران دادن حق آزادی به کودک بر اساس قانون الهی است. قانون الهی آزادی انسان را برای ضایع نشدن حقوق دیگران محدود می‌کند. در حقوق ایران حدود آزادی مشخص شده است

مخصوصاً وقتی که فقه اسلامی سن کودک را به سه گروه تقسیم می‌کند و کودک یک تا هفت سال را فاقد مسئولیت کیفری قرار می‌دهد. به لحاظ تربیتی، حقوق ایران کودک زیر هفت سال را از هر گونه مسئولیت دینی و عقیدتی و فکری آزاد گذاشته است و پس از هفت سال تربیت او آغاز می‌شود.

در حقوق ایران نیز توجه به حقوق کودک بر اساس حقوق طبیعی است که انسان از آن برخوردار است. اسلام حق آزادی را برای انسان حقی مسلم می‌داند اما برای هر یک از حقوق انسان چارچوبی قرار می‌دهد تا از حدود خود تجاوز نکرده و باعث تضییع حقوق دیگران نگردد. محور اخلاقی در اسلام بر پایه ارزشی است که برای انسان قائل شده است.

در مباحث راجع به حضانت، نفقه، ارج نهادن به شخصیت کودک به جای سرکوب و تحقیر او، عدم بهره‌کشی، ضرورت آموزش و پرورش رایگان، عدم تحمیل عقیده‌ای خاص، منع شکنجه‌ی روحی، روانی و جسمی، تمهیدات لازم برای رفاه کودک در جهت رشد و نمو جسمی و روانی، ارائه مشاوره، الزام به ثبت و داشتن هویت و تابعیت، ضرورت گرایش و آماده نمودن بستر اصلاح و تربیت برای کودکان کجرو اجتماعی، اعطای آزادی به کودک، تشویق به رشد تربیتی، آموزشی، علمی و فرهنگی، اعطای تسهیلات و خدمات مناسب مراقبتی در دوره‌هایی از نوجوانی یا کودکی، پرهیز از سهل‌انگاری تربیتی، ایجاد انسجام در محیط خانوادگی، تضمین به حمایت از کودکان معلول، رفع نیازهای بهداشتی و زیستی، آشنایی کودکان با حقوق ذاتی خود، اعطای امکانات رفاهی و تأمین مایحتاج که کودک و نوجوان بدان نیازمند است و ... نشان از آن دارد که نگرش‌ها، جهت احقاق حقوق کودکان و نوجوانان و تحول در این زمینه در بستر زمان و با توجه به شرایط از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک و فقه اسلامی متنوع است.

منابع

- آذری، علی (۱۳۸۷). بررسی محدودیت‌های آزادی بیان در نظام حقوق بشر و ارزیابی نظام حقوقی ایران. ج ۱، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- اسلامی، محمد تقی (۱۳۸۶). اخلاق کاربردی. ج ۳، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۴). بررسی و نقد افکار راسل. ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه‌ی گنج دانش.
- راسخ، محمد (۱۳۸۷). حق و مصلحت. ج ۲، تهران: طرح نو.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۳). درآمدی بر مبانی ارزش‌ها. ج ۱، قم: مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی.
- زیبا کلام، فاطمه (۱۳۸۵). سیر اندیشه فلسفی در غرب. ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانی، مهدی (۱۳۹۰). فلسفه اخلاق. ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹). «آزادی عادلانه». مجله کیان، ش ۴۶.
- شادان، مهدی (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی حقوق بشر در اندیشه اسلامی. ج ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ظاهری، حسین (۱۳۸۱). رابطه‌ی فقه و اخلاق. ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ضیایی، شهره (۱۳۸۵). طرح تحقیقاتی حقوق کودکان در شهر اصفهان. ج ۱، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- عالمزاده نوری، محمد (۱۳۸۷). «مقایسه تطبیقی فقه و اخلاق». نگاه حوزه، ش ۲۴۴.
- عباسی، زینب (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشر در نهج البلاغه با اعلامیه جهانی حقوق بشر. ج ۱، اصفهان: گروه الهیات دانشگاه اصفهان.
- عباسی، مریم (۱۳۸۰). حقوق کیفری اطفال. ج ۱، تهران: انتشارات مجد.
- عبادی، شیرین (۱۳۷۳). تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران. تهران: انتشارات رودکی.
- عبادی، شیرین (بی‌تا). «حقوق بشر در جامعه ایران»، نشریه جامعه سالم، تهران، ش ۳۸.
- عبادی، شیرین (۱۳۸۹). حقوق کودک. ج ۱، تهران: نشر گرایش.
- عبادی، شیرین (۱۳۷۶). حقوق کودک تطبیقی. ج ۱، تهران: انتشارات کانون.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. ج ۳، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). بیست گفتار. ج ۳، قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- موحد، محمد علی (۱۳۸۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر. ج ۱ و ۲، تهران: نشر کارنامه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۷). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

Research Article

The inherent dignity of children's rights from the point of view of Iranian law

Fateme Zarei¹ and Shahrukh Mohammadi²

Date of received: 2022/10/07

Date of Accept: 2022/12/06

Abstract

The present article was conducted with the aim of investigating the inherent dignity of the child from the perspective of Iranian law, using a descriptive and analytical method using library sources. The results showed that the basis of Iran's rights; The four moral principles and values are human dignity, freedom, justice, and equality, and their moral view on children's rights is based on these principles. The inherent dignity of children's rights in Iran depends on the anthropological and epistemological foundations, as well as the way of looking at ontology. The principles of children's rights in Iranian law are based on educational and educational discussions based on paying attention to all dimensions of human existence. In terms of Iranian law; In the educational process, the child needs special attention, and this special attention depends on the principle of inherent human dignity that the child enjoys. According to Iranian law, the child has a lot of vulnerability and if the right to inherent dignity is not respected in the education process, there is a high possibility of the child deviating from the right path and harming his education. Because according to Islamic traditions, a child has the ability to understand any good or bad things. In Iranian law, attention to children's rights is based on the natural rights that humans have. Islam considers the right to freedom as an absolute right for man, but it sets a framework for each of the human rights so that it does not exceed its limits and does not cause damage to the rights of others.

Keywords: law, child rights, Islamic jurisprudence, inherent dignity, Iranian law.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Zarei, Fateme; Mohammadi, Shahrukh(2023). "The inherent dignity of children's rights from the point of view of Iranian law". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 5, Num. 4, S.No. 20, pp. 39- 70.

¹. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Safashehr Branch, Safashahr, Iran. Email: f.zarei9900@gmail.com

². Master of Laws student, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Safashehr branch, Safashahr, Iran. Email: sharokh_mohamadi@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

The Holy Quran

- Abachi, Maryam (1380). *Criminal rights of children. Volume 1, Tehran: Majd Publications. (in Persian)*
- Abbasi, Zainab (1389). *A comparative study of the foundations of human rights in Nahj al-Balagheh with the Universal Declaration of Human Rights. Volume 1, Isfahan: Department of Theology, University of Isfahan. (in Persian)*
- Alamzade Nouri, Mohammad (1387). "Comparative comparison of jurisprudence and ethics". *Pegah Hoza, No. 244. (in Persian)*
- Azari, Ali (1387). *Examining the limitations of freedom of expression in the human rights system and evaluating the legal system of Iran. Volume 1, Tehran: Faculty of Law, Shahid Beheshti University. (in Persian)*
- Ebadi, Shirin (1373). *History and documents of human rights in Iran. Tehran: Rodaki Publications. (in Persian)*
- Ebadi, Shirin (1376). *Comparative child rights. Volume 1, Tehran: Kanon Publications. (in Persian)*
- Ebadi, Shirin (1389). *child rights. Volume 1, Tehran: Tezyaneh publishing house. (in Persian)*
- Ebadi, Shirin (Bita). "Human rights in Iranian society", *Jamia Salem publication, Tehran, No. 38. (in Persian)*
- Islamic, Mohammad Taqi (1386). *Applied ethics. Q3, Qom: Publication of the Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (in Persian)*
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1387). *Legal terminology. Tehran: Ganj Danesh Library. (in Persian)*
- Jafari, Mohammad Taqi (1364). *Review and critique of Russell's thoughts. Volume 2, Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)*
- Katouzian, Nasser (1389). *Civil law in the current legal system. C3, Tehran: Mizan Legal Foundation. (in Persian)*
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (1384). *Criticism of moral schools. Volume 1, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)*
- Mohed, Muhammad Ali (1382). *The Universal Declaration of Human Rights. JJ 1 and 2, Tehran: Karnameh Publication. (in Persian)*
- Motahri, Morteza (1359). *Twenty speeches. Volume 3, Qom: Islamic Publishing House. (in Persian)*
- Rahmani, Seyyed Ahmad (1383). *An income based on values. Volume 1, Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (in Persian)*
- Rasakh, Mohammad (1387). *Right and expediency. C2, Tehran: New design.*
- Shadan, Mehdi (1385). *Comparative study of human rights in Islamic thought. Volume 1, Tehran: Shahid Beheshti University. (in Persian)*
- Soroush, Abdul Karim (1379). "Just freedom". *Kian Magazine, No. 46. (in Persian)*
- Tabatabaei Mutamani, Manouchehr (1370). *Public freedoms and human rights. Volume 1, Tehran: Tehran University Press. (in Persian)*

- Zahari, Hossein (1381). *The relationship between jurisprudence and ethics. Q1, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)*
- Zamani, Mehdi (1390). *Moral philosophy. Volume 2, Tehran: Payam Noor University Publications. (in Persian)*
- Zeba Kalam, Fatima (1385). *The course of philosophical thought in the West. Volume 2, Tehran: Tehran University Press. (in Persian)*
- Ziyai, Shahreh (1385). *Children's rights research project in Isfahan city. Volume 1, Isfahan: Isfahan University of Medical Sciences. (in Persian)*



پروفیسر کاہنشاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامیہ

برائے اعلیٰ تعلیم اسلامیہ